

ادامه از صفحه ۴

تراژدی اختصاصی سازی اموال عمومی

اول اینکه بخش‌های سودآور و باارزش دولت به صورت غیرواقعی خصوصی شود یا اینکه به وابستگان ائتلاف غالب بخشیده شود و دوم اینکه با کاهش سطح و میزان انجام وظایف حاکمیتی و در نتیجه پایین‌آمدن مخارج دولت، سهم بیشتری از منابع و رانت‌های اقتصاد کشور به بنگاه‌های خصوصی تخصیص پیدا کند. نئولیبرال‌های وابسته به ائتلاف غالب با استفاده ابزاری از «خصوصی‌سازی+بخش خصوصی» و القای باور غلط بزرگ‌بودن دولت در ایران زمینه مهندسی افکار عمومی در جهت کاهش سطح انجام وظایف حاکمیتی دولت و بزرگ‌کردن شبهه‌دولت غریباسخوچ و رانتی را فراهم کردند. نتیجه خصوصی‌سازی‌های پرفساد به تخریب و غارت اقتصاد کشور منجر شده است، چنانچه نه بانک‌های خصوصی و نه بنگاه‌های بزرگ بالادستی مانند پتروشیمی و فولادی جز به صورت کانون‌های فساد و زهکش‌های اقتصاد کشور عمل نکرده‌اند. هنگامی که ساختارها و نهادهای لازم ایجاد نشده‌اند، حاکمیت قانون ضعیف است، فساد فراگیر است و شفافیت وجود ندارد، خصوصی‌سازی و اصولا اجرای دستوری «اقتصاد بازار» کشور را به بن‌بست کنونی می‌رساند. اجرای کاریکاتوری از خصوصی‌سازی، موجب شده که با شیوع پدیده درهای چرخان، جابه‌جایی گروه‌های منتخب بین قوای مجریه و مقننه و بنگاه‌های شبه‌دولتی در سه دهه گذشته شکل بگیرد و با تشکیل سه‌وجهی آهنین بین دولت (بوروکرات‌ها)، مجلس (قانون‌گذاران) و گروه‌های اقتصادی شبه‌دولتی فساد و رانت‌سازی ترویج پیدا کند.

در جلسه اخیر هیئت واگذاری‌ها، بر عرضه باقی‌مانده سهام دولت در شرکت‌های بزرگ بورسی به صورت بلوکی موافقت شد. شرکت‌های موضوع این مصوبه عبارت‌اند از پالایشگاه‌های نفت اوان، شیراز، اصفهان، تهران، بندرعباس و تبریز، بانک‌های تجارت، ملت و صادرات، بیمه‌های البرز و اتکابی امین، هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج فارس، صنایع ملی مس و فولاد مبارکه و کشت و صنعت دامپروری پارس و سرمایه‌گذاری ملی ایران. همچنین مدتی است که دولت دوازدهم مسئله واگذاری دارایی‌های صندوق‌های بازنشستگی را با فشار بی سابقه‌ای پیگیری می‌کند که به هیچ‌وجه در اختیار دولت نیست چون این منابع همگی متعلق به مردم است که از طریق پرداخت حق بیمه آنها فراهم آمده و دولت حق دخالت و تصرف در آنها را ندارد. اما از آنجایی که پروژه خصوصی‌سازی در ایران پروژه غارت اموال عمومی و انتقال آنها به نزدیکان است بدون توجه به اندازها و اختطرها به پیش خواهد رفت و اگر نفعی بر این تذکرات مترتب باشد برای درج در تاریخ است.

عنوان «مداخله دولت» فریب رایج دیگر توسط نئولیبرال‌های وطنی است که در اصل مداخله گسترده شبه‌دولتی‌ها (خصوصیتی‌ها) در اقتصاد است. مثال بارز آن تعیین نرخ ارز، نرخ کالاهای اساسی صنعتی و مایحتاج مردم است. در اقتصادی که ۸۰ درصد ارز و همچنین کالاهای اساسی توسط بنگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی عرضه می‌شود، بخش خصوصی چه جایگاهی دارد که بتواند در تعیین نرخ آنها دخالت کند. آنچه در ایران تحت عنوان آزادی عرضه و تقاضا و قیمت‌ها مطرح می‌شود، در اصل آزادی عمل بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی در رانت‌جویی هر چه بیشتر و اجحاف به مردم و بخش خصوصی است. در دوده اخیر پنج حوزه اصلی کسب درآمدهای کلان و توزیع رانت در کشور شامل (۱) واحدهای صنعتی-معدنی متکی به رانت منابع، (۲) سوداگری و سفته‌بازی در زمین و ساختمان، (۳) بازرگانی وارداتی، دلالی و سفته‌بازی، (۴) فعالیت‌های مالی و سود سپرده‌های بانکی و (۵) سوداگری و سفته‌بازی ارزی و رانت افزایش نرخ ارز هستند. با قاطعیت می‌توان گفت این پنج حوزه اصلی رانتی اقتصاد ایران در اغلب موارد مالیات‌پرداخت نمی‌کنند، کمترین مالیات را به نسبت درآمد پرداخته‌اند یا حتی در موارد متعددی دولت خسارت آنها (مانند تأمین منابع مالی برای بازپرداخت سپرده‌های غارت‌شده آنها توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی خصوصی ورشکسته) را جبران کرده و یارانه مالیاتی (مانند یارانه تأمین اجتماعی کارگران ساختمانی) پرداخته است. بنگاه‌های معدنی-صنعتی برخوردار از رانت منابع، همچنین مشمول رانت معافیت‌های متنوع مالیاتی هستند. سود بنگاه‌های حصولتی داخلی قابل مقایسه با بنگاه‌های مشابه در سطح جهان نیست و به مراتب بیش از آنها است، به‌عنوان مثال با وجود ابعاد، تولید و قدرت فناوری و دانش فنی به مراتب نازل‌تر، سود عملیاتی شرکت فولاد مبارکه از بزرگ‌ترین گروه‌های فولادساز در کشورهای ژاپن، کره جنوبی، چین، آلمان و آمریکا در سال ۲۰۱۷ میلادی بیشتر بود. سود خالص سال ۱۳۹۶ پنج بنگاه بزرگ پتروشیمی حصولتی «نوری، جم، مارون، زاگرس و مبین» ۹۳ تریلیون ریال (۹هزارو ۳۰۰ میلیارد تومان) اعلام شده است. نرخ مالیات پرداختی این پنج بنگاه پتروشیمی و فولاد مبارکه (با سودآوری پنج میلیارد دلار) مقدار ناچیز به ترتیب ۴ و ۱.۳ درصد در مقایسه با سود خالص و درآمدهای عملیاتی آنها در سال ۱۳۹۶ بود...

ادامه در صفحه ۱۴

لیا مرکن: دولت تصمیم دارد سهام بخش دیگری از اموال خود را واگذار کند. در جدیدترین تصمیم سازمان خصوصی‌سازی قرار است سهام صنایع ملی مس ایران، فولاد مبارکه اصفهان، ایران خودرو و سایپا به بخش خصوصی واگذار شود. واگذاری‌هایی که تاکنون چندان موفق نبوده‌اند و منفعتی برای کارگران و مردم به همراه نداشته‌اند، باز هم قرار است در دستور کار باشد. با وجود تمام مشکلاتی که در جریان خصوصی‌سازی‌ها تاکنون بروز کرده است، باز هم دولت تصمیم دارد بخش دیگری از اموال خود را در راستای اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ واگذار کند. مهدی کرباسیان مدیرعامل سابق ایمیدرو با تأکید در رابطه با تصمیم اخیر دولت هشدار می‌دهد که این واگذاری‌ها ممکن است زمینه حضور پول‌کثیف در اقتصاد را فراهم کند یا میزان حضور نهادها در مجموعه‌های اقتصادی کشور را تشدید کند. آن‌طور که کرباسیان می‌گوید: واگذاری صددرصد سهام واحدهای بزرگ، محل شبهه است. طبق قانون دولت مجاز است تا ۸۰ درصد سهام شرکت ملی مس را واگذار کند. با این واگذاری‌ها دست دولت به‌طور کامل از صنعت مس به‌عنوان یک صنعت استراتژیک کوتاه خواهد شد. بازید مردوخی نیز بر این باور است که تداوم حضور دولت در اقتصاد منطقی نیست اما رویه‌های قبلی نیز درست نبوده است بنابراین قبل از انجام هر اقدامی، نیاز به بازتعریف قوانین و برنامه‌ها وارد میدان می‌شوند یا مواردی که خریداران با وجوهی که از مسیر صحیح برای خرید نیاورده‌اند- که این روزها چند مورد آن در دادگاه‌ها مطرح است- وارد فضای تعریف‌شده برای واگذاری‌ها خواهند شد که البته حتما این نوع واگذاری‌ها مدنظر دولت نبوده و نیست. اضافه بر این موارد، بانک‌ها، شستا و صندوق‌های بازنشستگی نیز مکلف به فروش سهام و اموال خود شده‌اند، آیا در این رابطه فکر شده که این حجم نقدینگی امکان تأمین از داخل کشور را دارد و آیا سرمایه‌گذاران خصوصی واقعی می‌توانند این میزان نقدینگی را تأمین کنند. به گفته او برای اثبات صحت این پیش‌بینی، خوب است که به فهرست واگذاری‌های واحدهای بزرگ تولیدی در ۱۰ سال گذشته در دولت‌های مختلف دقت کنیم که بعضا باز با گرفتاری‌های جدید و بدهی بیشتر به دولت بازگشتند. مانند آلومینیوم المهدی، نوردلوله اهواز، ماشین‌سازی تبریز و واحدهای بزرگ تولیدی در استان مرکزی که وارث معضلات صددهم هستند.

کونا‌شدن دست‌دولت از صنعت مس
کرباسیان تأکید می‌کند: بی‌شک اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و خصوصی‌کردن واحدها همچنین جداشدن دولت از بنسкаهداری، جهت‌گیری درستی است و باید قبول کرد که تحقق آن هم به اندازه کافی به تأخیر افتاده است، ولی این تأخیر، باعث نمی‌شود در مقطع فعلی تصمیم نادرست بگیریم. در شرایط تشدید تحریم‌ها و مشکلات جدی ناشی از آثار آن، رکود در بازار و عدم ثبات در عرصه تولید، نمی‌توان انتظار داشته باشیم بخش خصوصی واقعی در شمار خریداران سهام شرکت‌های عرضه‌شده باشد. او ادامه می‌دهد: نکته مهم دیگری که باید به‌عنوان مثال به آن اشاره کرد و مدنظر قرار داد، این است که واگذاری صنایع مس که در حقیقت صنعتی انحصاری است و مادر بسیاری از صنایع پایین‌دستی محسوب می‌شود، حسب سیاست‌های ابلاغی حداقل تا ۲۰ درصد تولید کشور باید در اختیار دولت باقی بماند، در حالی که با فروش همه این سهام، دولت کلا از گردونه هدایت این صنعت کلیدی خارج می‌شود و متأسفانه بروز چنین نادر. از سویی دیگر با یک محاسبه ساده: درمی‌یابیم که

رشد قیمت سهام بانک تجارت در پی افزایش سرمایه

پس از برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده بانک تجارت برای افزایش سرمایه ۳۹۰درصدی از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، سهام این بانک در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۲۶ ابا قیمت ۴۵۴ ریال با ۲۹.۳ درصد رشد بازگشایی شد. این اقدام که موجب افزایش اعتماد خریداران در بازار سرمایه شد، افزایش قیمت سهام این بانک را به دنبال داشت. در حال حاضر سهام بانک در حدود ۴۳۰ ریال در حال معامله است و انتظار برای رشد قیمت آن، وجود دارد.

مانده تسهیلات اعطاییی بانک در پایان اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ به حدود ۱.۱۶۷ هزار میلیارد ریال رسید که نسبت به ماه قبل افزایش یک درصدی و نسبت به دوره مشابه سال قبل رشد ۲۷درصدی را نشان می‌دهد.

همچنین نرخ سود تسهیلات در اردیبهشت ماه سال جاری نسبت به ماه قبل با افزایش ۳.۷درصدی، از ۹.۸ درصد به ۱۳.۵ درصد رسید. این افزایش نرخ منجر به افزایش ۱۶۵درصدی درآمد تسهیلات اعطاییی و رسیدن به مبلغ ۲۵.۳۲۷ میلیارد ریال شده است.

لازم به ذکر است که در دوره دوماهه ابتدایی سال جاری نرخ سود تسهیلات نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش ۸.۹درصدی داشته که در کنار رشد ۲۷درصدی تسهیلات اعطاییی، منجر به افزایش ۲۴۶درصدی درآمد تسهیلات اعطاییی شده است. افزایش تسهیلات اعطاییی در کنار رشد نرخ سود تسهیلات نشان‌دهنده دقت نظر بانک در اعطای تسهیلات جدید با بازدهی مناسب است.

از سویی دیگر مانده سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک در پایان اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۱.۴۷۰ هزار میلیارد ریال بوده که نسبت به ماه قبل

اقتصاد

«شرق» تبعات آخرین تصمیمات برای واگذاری سهام دولتی بخش صنعت را بررسی می‌کند

احتمال حضور پول کثیف در خصوصی سازی



وضعیتی در تعدادی دیگر از شرکت‌های در فهرست خصوصی‌سازی نیز رخ خواهد داد.

توقف برنامه‌های توسعه در مناطق محروم

به اعتقاد کرباسیان، با فروش سهام سازمان‌های توسعه‌ای مانند «ایمیدرو» و «ایدرو» و «پتروشیمی» که جزء یکی از اصلی‌ترین بازوهای دولت در اجرای برنامه‌های توسعه ملی و به‌ویژه سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و ایجاد اشتغال هستند، در این مناطق دچار مشکل خواهیم شد زیرا در واقع در حوزه‌ها و عرصه‌هایی که بخش خصوصی ورود نمی‌کند، شرکت‌های بزرگی همچون ایدرو، ایمیدرو و پتروشیمی‌ها مکلف به سرمایه‌گذاری هستند. از طرف دیگر، با واگذاری کل سهام این‌گونه شرکت‌های صادر، منبع درآمدی آنها برای اجرای تکالیف خود در برنامه‌های توسعه به‌ویژه در مناطق محروم به‌طور کلی قطع می‌شود. او یادآور می‌شود: با عنایت به جمع موارد یادشده به نظر می‌رسد نباید در این مقطع با شتاب و بدون ملاحظه همه جوانب، نسبت به واگذاری سهام شرکت‌های ذکرشده تصمیم‌گیری شود.

خصوصی سازی نامناسب مشکلات را بیشتر می‌کند

بازید مردوخی، کارشناس اقتصادی، نیز در گفت‌وگو با «شرق»، برخی هشدارهای اعلام‌شده از سوی کرباسیان را تأیید می‌کند. او درباره تأثیر خصوصی‌سازی‌ها در اقتصاد ایران می‌گوید: متأسفانه مدیریت بخش دولتی تاکنون چنان مبهم و به نظر بعضی از محققان به قدری بد بوده است که توصیه اینکه دولت همچنان مدیریت این صنایع را به عهده داشته باشد، کمی قابل قبول نیست. مردوخی اضافه می‌کند: منتها از آن سو

واگذاری صنایع به بخش غیر دولتی یا بخش خصوصی یا هر چه اسم آن را بگذاریم، مستلزم این نیست که دولت همه چیز را رها کند و بگذارد هر اتفاقی در بخش صنعت رخ دهد. خصوصی‌سازی به مفهوم مدیریت ناقص، مدیریت بد، حساب‌سازی‌ها و تعیین قیمت وحشتناک برای محصول نیست. به گفته او، دولت پس از خصوصی‌سازی هم مثل همه دولت‌های کشورهای پیشرفته صنعتی مسئولیت دارد یا با قانون یا با نظارت یا به هر شیوه ممکن در این صنایع چنان نظمی برقرار کند که در خدمت منافع ملی و توسعه اقتصادی کشور باشند. این کارشناس اقتصادی ادامه می‌دهد: وگرنه اگر بخواهند این صنایع را در دولت نگه داریم، این مسئله ممکن است صد مشکل داشته باشد ولی بدون درنظرگرفتن این موارد، واگذاری صنایع به بخش غیردولتی می‌تواند هزار مشکل برای کشور ایجاد کند.

نیاز به پوست‌اندازی در برنامه‌ها

مردوخی بیان می‌کند: مدت‌هاست دولت به‌ویژه دولت اخیر، کاملا پذیرفته‌اند باید اقتصاد را به شیوه سرمایه‌داری پیش ببرند و دولت دستش از همه چیز کوتاه باشد. در حالی که در سرمایه‌داری‌هایی که ما در دنیا می‌شناسیم، دست مردم و دولت (به نمایندگی از مردم) و قوانین به قدری قدرتمند است که عملکرد بخش صنعت و بنگاه‌های اقتصادی به نفع جامعه تمام می‌شود. او اضافه می‌کند: متأسفانه ما نمی‌خواهیم این ویژگی را داشته باشیم. این کارشناس اقتصادی تأکید می‌کند: اگر بخواهیم به شیوه سابق بنگاه‌ها را اداره و بر آنها نظارت کنیم، به نتیجه‌ای نمی‌رسیم. او درباره توان بخش خصوصی برای خرید سهام دولت می‌گوید: مسئله بخش خصوصی به آن صورت مربوط به پول نیست. مسئله اینجاست که تجارب قبلی نباید تکرار شود. ما باید شیوه‌های اداره اقتصاد را به‌کلی عوض کنیم. اگر قانون باید عوض شود، باید اصلاحات لازم انجام شود. اگر دولت نیاز به تغییر دارد، باید این تغییرات محقق شود. ادامه شیوه‌هایی که تاکنون وجود داشته به نفع ملت چه در شکل دولتی باقی‌ماندن و چه در شکل واگذاری سهام دولت به بخش غیردولتی نخواهد بود. مردوخی درباره تأثیر افزایش حضور نهادها در اقتصاد بیان می‌کند: اگر آنها هم مثل بخش خصوصی کار کنند و نظارت بر عملکرد آنها مثل همین شیوه‌ای تاکنون بوده است، باشد، یعنی نظارت کافی بر قیمت‌گذاری و امثال آن تحت نظر و نظارت یک سری قانون مترقی نباشد، طبیعی است آنها هم فرقی با بخش خصوصی نخواهد داشت.

شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۸

خبر ویژه

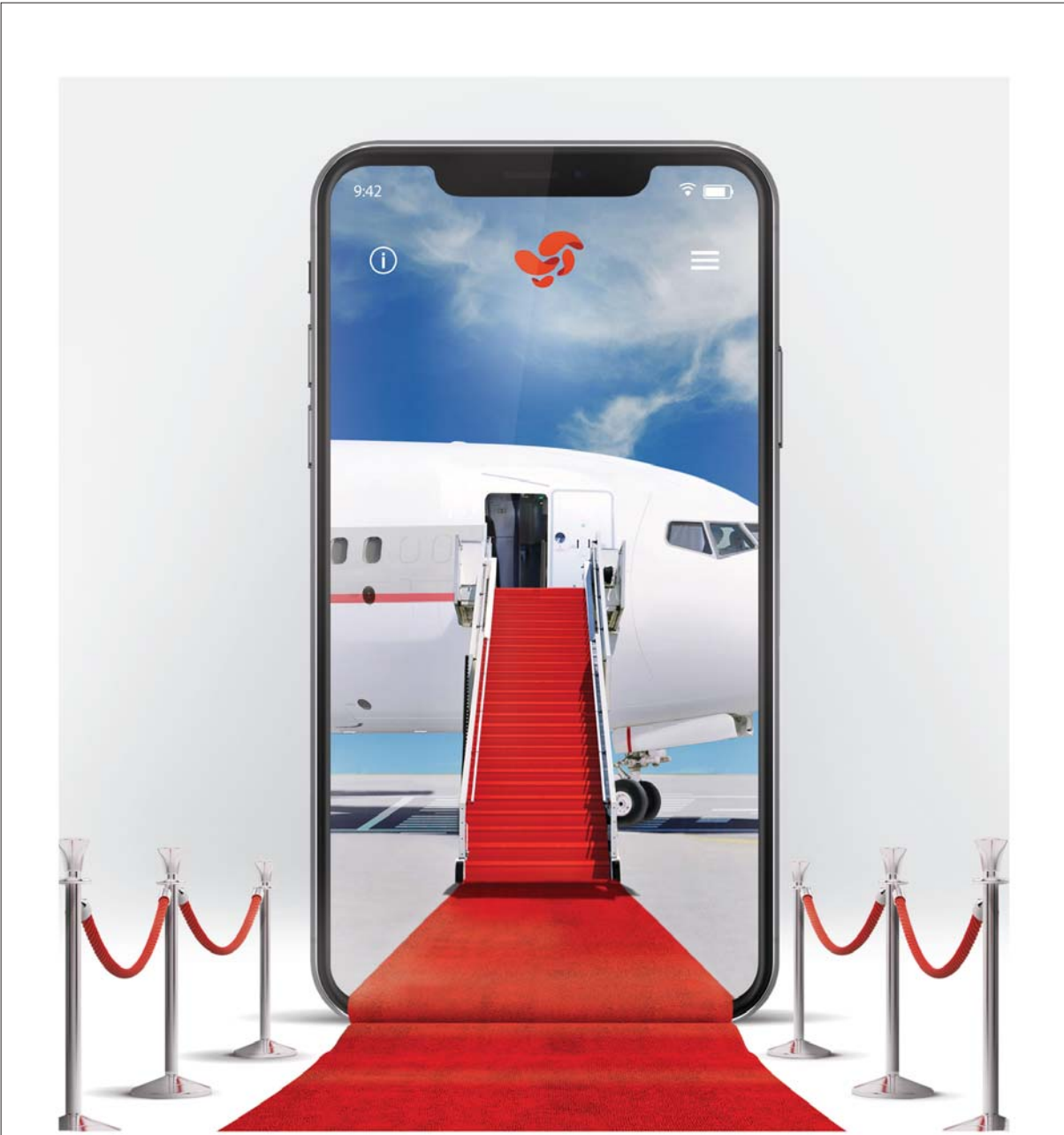
مراسم کلیدگذاری و راه‌اندازی شبکه اصلی ققنوس برگزار شد

ارائه توکن پیمان با پستوانه طلا از ابتدای تیرماه ۹۸

● شبکه ققنوس به‌صورت رسمی کلیدگذاری و راه‌اندازی شد و از ابتدای تیرماه ۹۸ توکن‌پایه این شبکه به نام پیمان و با پستوانه طلا عرضه خواهد شد.

مراسم کلیدگذاری شبکه اصلی ققنوس چهارشنبه هشتم خرداد با حضور میزبان‌های بنیاد ققنوس، شامل شرکت‌های داده‌ورزی سداد وابسته به بانک ملی، فناوران هوشمند بهسازان فردا وابسته به بانک ملت، فناپ وابسته به بانک پاسارگاد، داده‌پرداز یارسیان وابسته به بانک پارسیان، شرکت‌های کستا و شرکت ققنوس در محل دانشگاه خاتم برگزار شد.پس از راه‌اندازی شبکه اصلی ققنوس، از ابتدای تیرماه ۹۸ اولین توکن بر بستر ققنوس با نام «پیمان» عرضه خواهد شد و از پشوانه ۳۰ سوت طلای ۲۴ عیار به ازای هر توکن برخوردار خواهد بود؛ به گفته سید ولی‌الله فاطمی اردکانی، علاوه بر پیمان، در آینده نزدیک حداقل سه توکن دیگر در حوزه‌های «املاک»، «تأمین مالیی جمعی» و «KYC» بر بستر ققنوس با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه ارائه خواهد شد و مردم، شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌توانند این توکن‌ها را خریداری کنند.

فاطمی تصریح کرد: «بر اساس پیش‌بینی «اکسنچر»، دیدگاه کارشناسان اقتصادی این است که چنانچه تا ۱۰ سال آینده -۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی دنیا بر بلاکچین متکی باشد، تا سال ۱۴۰۸ حدود ۵۰ میلیارد دلار ارزش شبکه‌های بلاکچینی کشورمان برآورد می‌شود که ققنوس در تلاش است سهم عمده‌ای از آن را در اختیار بگیرد. این در حالی است که در همان سال ۱۴۰۸ پیش‌بینی‌ها این است که ارزش کل شبکه نظام بانکی ما به ۱۴۰میلیارد دلار و ارزش نظام بازار سرمایه ما به ۱۲۰میلیارد دلار می‌رسد که به‌این‌ترتیب دستیابی به رشدی معادل حدود یک‌سوم بازار پولی و یک‌دوم بازار سرمایه برای شبکه‌های مبتنی‌بر بلاکچین تا این سال، رقم قابل‌توجهی است و این فضا باید جدی گرفته شود».



خرید بلیت هواپیما

به آسانی و اعتبار آپ

